



دانشگاه پیام نور
مرکز تبریز
دانشکده علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بازتاب مسایل اجتماعی - سیاسی عصر مغول در اشعار انتقادی سیف فرغانی

پایان نامه برای درجه کارشناسی ارشد «M.A»
در رشته زبان و ادبیات فارسی

مؤلف:

سهراب رستگارمند

استاد راهنما:

دکتر باقر صدیقی

استاد مشاور:

دکتر میرنعمت‌اله موسوی

بهار ۱۶

۱۰۵۹۷۸

کتابخانه مرکزی
دانشگاه پیام نور
تبریز

۱۳۸۷ / ۲۲ / ۵/۱۵۱



دانشگاه شهساز نور
پوی
باسمه تعالی

تاریخ
شماره
پوست

تصویب نامه پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان: بازتاب مسائل اجتماعی - سیاسی عصر مغول در اشعار انتقادی سیف فرغانی.

که توسط سهراب رستگارمند تهیه و به هیأت داوران ارائه گردیده است مورد تأیید می باشد.

تاریخ دفاع: ۸۶/۰۴/۲۴
نمره: ۹۱/۸۹ (نوزده) درجه ارزشیابی: عالی

اعضای هیأت داوران:

نام و نام خانوادگی	هیأت داوران	مرتبه علمی	امضاء
۱- دکتر باقر صدری نیا	استاد راهنما	دانشیار	
۲- دکتر میرنعمت اله موسوی	استاد راهنمای همکار یا مشاور	استادیار	
۳- دکتر ناصر علیزاده خیاط	استاد ممتحن (داور)	استادیار	
۴- دکتر میرنعت اله موسوی	نماینده گروه آموزشی	استادیار	

(نمونه تصویب نامه پایان نامه)

سپاس گزاری

در این فرصت ،سپاس و قدردانی خود را نسبت به همه افرادی که در امر تدوین این پایان نامه به نحوی موثر بوده اند ابراز می دارم . بویژه از عزیزان ذیل که مرا مرهون الطاف خویش نموده اند صمیمانه سپاسگزارم:

۱- استاد گرانقدر جناب آقای دکتر صدری نیا که راهنمایی بنده را بر عهده داشتند .

۲- استاد ارزشمند جناب آقای دکتر موسوی که زحمت مشاوره در امر پایان نامه را تقبل فرمودند .

۳- اساتید محترم دانشگاه

همچنین بر خود لازم می دانم که از همسر فداکارم که همواره پشتیبان من بوده اند تشکر و قدردانی نمایم .

پروردگارا به استادان بزرگوار توفیقی روزافزون و عمری پربرکت عنایت فرما و آنان را پیوسته مشمول الطاف و عنایات خویش قرار ده تا شفیتگان طریق حق و حقیقت را رهنما باشند .

سهراب رستگارمند

بهار ۱۳۸۶

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۴	فصل اول : کلیات
۵	۱-۱- هدف تحقیق.....
۶	۱-۲- اهمیت تحقیق.....
۶	۱-۳- تاریخچه تحقیق.....
۷	۱-۴- روش تحقیق.....
۸	۱-۵- رابطه متقابل شعر و جامعه.....
۱۳	۱-۶- گذری بر تاریخچه اشعار انتقادی.....
۱۴	۱-۶-۱- شهید بلخی.....
۱۴	۱-۶-۲- رودکی.....
۱۴	۱-۶-۳- فردوسی.....
۱۴	۱-۶-۴- ناصر خسرو.....
۱۵	۱-۶-۵- مسعود سعد.....
۱۵	۱-۶-۶- سنایی.....
۱۷	۱-۶-۷- عطار.....
۱۷	۱-۶-۸- انوری.....
۱۸	۱-۶-۹- مولوی.....
۱۹	۱-۶-۱۰- سعدی.....
۲۱	فصل دوم: شرح حال و شیوه ی سخنوری سیف فرغانی
۲۲	۲-۱- شرح زندگی سیف فرغانی.....
۲۵	۲-۲- شیوه ی سخنوری سیف.....
۲۶	۲-۲-۱- تصویرها و ترکیبات ویژه سیف.....
۲۸	۲-۲-۲- استقبال از قصاید مشهور فارسی.....
۲۹	۲-۳- افکار و عقاید سیف.....

۳۵	فصل سوم: اوضاع سیاسی، اجتماعی، دینی و ادبی در عصر مغول و ایلخانان
۳۶	۱-۳- اوضاع سیاسی ایران از آغاز حمله مغول تا پایان حکومت ایلخانان.....
۳۶	۱-۱-۳- تفرقه در میان مسلمانان.....
۳۸	۲-۱-۳- تضعیف حکومت خوارزمشاهان.....
۳۸	۳-۱-۳- مغولان.....
۴۰	۴-۱-۳- هجوم مغولان.....
۴۰	۵-۱-۳- نتایج شوم سیاست سلطان محمد خوارزمشاه.....
۴۲	۶-۱-۳- پایان حکومت خوارزمشاهیان.....
۴۳	۷-۱-۳- لشکر کشی هولاکو به ایران در برخورد او با قدرتهای موجود در ایران.....
۴۵	۸-۱-۳- حکومت ایلخانان از اباقا تا غازان.....
۴۷	۹-۱-۳- نقش وزرای ایرانی در اداره حکومت ایلخانان.....
۴۸	۲-۳- اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران در عصر حاکمیت مغول.....
۵۱	۱-۲-۳- نتایج اجتماعی حمله مغول به ایران.....
۵۷	۳-۳- وضعیت شعر و ادب بعد از حمله مغول.....
۶۰	۴-۳- اوضاع دینی ایران در عصر مغول و ایلخانی.....
۶۳	۱-۴-۳- تهاجم آیین بودایی و مسیحیت به ایران اسلامی.....
۶۵	فصل چهارم: بازتاب مسایل اجتماعی - سیاسی عصر مغول در اشعار
	انتقادی سیف فرغانی
۷۲	۱-۴- انتقاد از اوضاع آشفته دوران مغول و ایلخانان.....
۷۸	۲-۴- انتقاد از فرمانروایی مردم نالایق و بی دین.....
۸۰	۳-۴- انتقاد از کشتار مردم و ویرانی شهرها.....
۸۳	۴-۴- انتقاد از حاکمان ستمگر و بیان عاقبت ظالمان.....
۹۰	۵-۴- انتقاد از وزیران سرکش و ستم پیشه.....
۹۲	۶-۴- انتقاد از عاملان، پیشکاران و کارگزاران حکومت (عوانان).....
۹۵	۷-۴- انتقاد از قاضیان بی ایمان و رشوه خوار.....
۹۸	۸-۴- انتقاد از مستوفیان زراندوز.....
۹۸	۹-۴- انتقاد از بازاریان و کسبه کم فروش.....
۹۸	۱۰-۴- انتقاد از تاراج اموال مردم و اخذ مالیاتهای سنگین.....

۱۰۱ انتقاد از بی عدالتی های اجتماعی.
۱۰۴ انتقاد از ناامنی و فقدان آسایش.
۱۰۵ انتقاد از شاعران متملق و مداح درباری.
۱۱۴ انتقاد از ضعف دین و قوت کفر.
۱۱۷ انتقاد از دین فروشان.
۱۲۰ انتقاد از عالمان و فقهای طماع درباری.
۱۲۴ انتقاد از صوفیان دروغین و زاهدان ریایی.
۱۲۸ انتقاد از فلسفه و بیزاری از فیلسوفان.
۱۳۰ انتقاد از ریاکاری و عوام فریبی.
۱۳۲ انتقاد از دنیا طلبی و تأکید بر بی اعتباری جهان.
۱۳۷ انتقاد از نفس پرستی و شهوت جویی.
۱۳۸ انتقاد از ثروت اندوزی، بخل، حرص و صفات مذموم اخلاقی.
۱۴۰ بی نیازی جستن از سلاطین.
۱۴۱ رواج یأس و بدبینی نسبت به روزگار.
۱۴۴ گرایش به تصوف و دنیا گریزی.
۱۴۹ یادآوری مرگ و عبرت گیری از آن.
۱۵۱ آگاهی سیف از اوضاع عصر خویش.
۱۵۱ انتظار ظهور موعود.
۱۵۳ سیف فرغانی، فریادستمدیدگان.
۱۵۵	فصل پنجم: نتیجه گیری
۱۶۱ فهرست منابع و مأخذ.
۱۶۶ چکیده انگلیسی.

چکیده

سیف الدین محمد فرغانی، یکی از شاعران قرن هفتم از چهره های متعهد و آزاد اندیش در شعر کهن فارسی است، که بهترین نمونه های انتقاد اجتماعی در شعر او دیده می شود.

او از بی عدالتی ها، ستم ها و زورگویی های طبقه ی حاکم و همچنین گمراهی ها و بی خردی های عامه مردم، شکایت هایی تلخ دارد. اشعار سیاسی و اجتماعی سیف، عکس العملی در برابر ظاهر سازی ها و ریاکاری های جامعه ای است که در آن زندگی می کرده است.

از میان اشعار سیف، قصاید وی از جهت پرداختن به مسایل اجتماعی و سیاسی اهمیت بیشتری دارد زیرا این قصاید نشان می دهد که شاعر، تا چه حد شجاع و خواستار اصلاحات وسیع در نظام سیاسی جامعه و اخلاق اجتماعی است. گویی سیف در این گونه قصاید از زبان مردم سخن می گوید.

او عناصر جامعه ای را که در آن زندگی می کند، از کسبه گرفته تا صوفیان و عالمان دینی، قضات، دلتمردان و حاکمان مغول و کارگزاران حکومتی را به باد انتقاد می گیرد و فهرستی از نقاط ضعف و کاستی های موجود در زندگی اجتماعی مردم را به دست می دهد.

شعر انتقادی سیف آینه تمام نمای اوضاع نابسامان اجتماعی و سیاسی ایران در عهد حاکمیت مغول و ایلخانان است.

این پایان نامه در پنج فصل تنظیم شده است: فصل اول، بیانگر هدف و اهمیت موضوع انتخابی، شیوه ی تحقیق و مسیر آنست و بیان این نکته که این تحقیق به ویژگیهای زیبایی شناختی شعر نظر ندارد بلکه هدف آن، پرداختن به مضامین و محتوای اثر و جهان بینی، فکر و فرهنگ شاعر می باشد. همچنین بیان پیوند متقابل بین شعر و جامعه و مروری گذرا بر تاریخچه اشعار اجتماعی و انتقادی تا روزگار سیف است. در فصل دوم، زندگی، شیوه سخن پردازی و افکار و عقاید سیف فرغانی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم به تشریح حاکمیت سیاسی، وضع اجتماعی، دینی و ادبی جامعه عصر سیف پرداخته است. فصل چهارم، تفسیر نظام سیاسی - اجتماعی آن روزگار از نگاه این شاعر آزاد اندیش بیان گردیده است. در این فصل، توجه کلی به جامعه شناسی شعر سیف و بازتاب دنیای درونی و بیرونی شاعر و شنیدن فریاد اعتراض او معطوف است. در فصل پنجم، از دیدگاه های سیف و بیان تعهد اجتماعی او در شعرش نتیجه گیری شده است.

مقدمه

جسم و جان در قبضه فرمان اوست
 آبخورد فیض چون باران اوست
 جان چون یوسف که تن زندان اوست
 شکر او میکن که نعمت آن اوست
 این نه استحقاق ما، احسان اوست
 سیف فرغانی که این دیوان اوست^(۱)

آن خداوندی که عالم آن اوست
 بر زمین هر ذره خاکی که هست
 از عطای او به ایمان شد عزیز
 گرز دست دیگری نعمت خوری
 بر من و بر تو اگر رحمت کند
 از جهان کمتر ثناگوی وی است

حمد و سپاس خدای یکتا را که به آدمی خرد ارزانی داشت تا سره از ناسره بازشناسد و نیک و بد را تمیز و تشخیص دهد و به اختیار خویش قدم در راهی نهد، که او را به سر منزل هدایت راهبر شود و از چاه شقاوت و ضلالت باز رهاند.

درود نامحدود بر خلاصه وجود و برگزیده بود و نبود، محمد بن عبدالله (ص) که شرح انورش، عقل رامدد آمد تا در بیابان بی کران هستی، افق روشن سعادت را به دیده بیند و گمراهان را به سر انگشت مهر و محبت به خوان هدایت خویش فرا خواند.

سلام و تحیات بر خاندان پاک نبوت و پویندگان راه فتوت باد که ستارگان روشن آسمان بصیرتند و معیاران نکته سنج میدان حقیقت.

این پژوهش گامی است در زمینه جامعه شناسی ادبیات، دانشی جوان در خانواده بزرگ علوم اجتماعی. روشی انتقادی که به متن، و معنای آن توجه دارد. آوردن دنیای ذهنها و آفرینشهای ادبی به دنیای حقیقت و عینیتهای مادی است. احساس را با عقل همراه کردن و خشونت زندگی را در بالهای لطیف شعر و ادب دیدن، از دل قصیده، غزل، اسطوره، مثل و اندرزها، تاریخ و باورهای فرهنگی - اجتماعی را بیرون کشیدن است.

هر جامعه شناسی ادبی باید به طور تاریخی عمل کند و هر تاریخ ادبیات نیز به طور جامعه شناختی.

به گفته جلال آل احمد: «اصیل ترین اسناد تاریخ هر ملتی ادبیات است، ما بقی جعل است.»^(۱)

اینجا دیگر مردم به دست فراموشی سپرده نمی شوند، تنها شرح حال شاعر و نویسنده و اثر او، زندگی و تاریخ تولد و مرگ وی، تحول عاطفی و زیبایی های هنری شعرونثرش مطالعه نمی شود. در اینجا نگاه به اثر ادبی، نگرشی عمیق و ژرفکاوانه است، برای پی بردن به حیات فرهنگی و اجتماعی یک جامعه در مسیر رودخانه زندگی. اینجا در حرکت آب، زندگی را دیدن است، دیدنی با همه چهره های متفاوت خود.

جامعه شناسی ادبیات، بررسی شتاب دهنده ها به حرکات پویا و ایستای جامعه و قوانین حاکم بر ساختارهای اجتماعی است، پژوهشی محتوایی در کنش و واکنش هنرمند و جامعه است. جهان بینی، موضع فکری و خلاقیت هنری هنرمند را با حیات اجتماعی پیوند دادن، و بین گذاشته، حال و آینده پلی برقرار کردن است.

ادبیات در صحنه زندگی درسی برای ارزشها و ضد ارزشها می شود در اینجا محقق به ادبیات به عنوان موضوعی تفننی نگاه نمی کند بلکه از دید جامعه شناختی، واقع گرایانه به شاعر و شعر او می نگرد و تأثیر گذاری و تأثیر پذیری او را در اجتماع باز کاوی می کند. پژوهشگر در شعر و ادب خاستگاه اجتماعی را می بیند. هر چند اجتماع شبکه ای پیچیده و درهم تنیده است، اما او با ژرف نگری می تواند به این رابطه متقابل پی برد و در می یابد، این محیط اجتماع است که پرورنده ی شاعر و نویسنده و جهان بینی آنها شده است.

برای اینکه حق ادبی یک شاعر یا نویسنده در تاریخ ادبی یک ملت به خوبی روشن شود، باید تاریخ عصر او، حکومتها، محیط و کارکردهای اجتماعی، قوانین و شعائر جامعه و ارزشهای اجتماعی آن روزگار به طور جامع بررسی شود، تا حق یک ادیب و تعهد او نسبت به خود و جامعه اش مشخص گردد.

همان گونه که شفیعی کدکنی می گوید: «مساله رابطه متن با زندگینامه یا روانشناسی مؤلف و یا شرایط اقلیمی و طبقاتی و فرهنگی حاکم بر آفاق خلاقیت او، همچنان اعتبار و اهمیت خویش را دارا است و امروز، نه آنها که جویای روابط پنهانی یک اثر با شرایط تاریخی و اقتصادی عصر مولف اند، دشمن این گونه مطالعاتند و نه آنها که به جستجو درباره ساخت و صورت و بافت می پردازند منکر آن گونه مطالعات. هر دو سوی نیک در یافته اند که هر کدام از این روشها می تواند مصداق تحقیق درست در ادبیات باشد.»^(۲)

۱- زمانی نیا، مصطفی، ۱۳۶۳، فرهنگ جلال آل احمد، انتشارات پاسارگارد، ص ۳۵۳

۲- شفیعی کدکنی، محمد رضا، ۱۳۷۰، موسیقی شعر، تهران، انتشارات آگاه، ص ۱۷.

فصل اول:

هدف و اهمیت تحقیق

تاریخچه و روش تحقیق

رابطه متقابل شعر و جامعه

گذری بر تاریخچه اشعار انتقادی

۱-۱- هدف تحقیق

هدف از این تحقیق بررسی آرایه های لفظی، اوزان عروضی، قوافی، قالبها و به طور کلی ویژگیهای زیبایی شناختی نیست، بلکه هدف، پرداختن به مضامین و محتوای اثر، جهان بینی، فکر و فرهنگ شاعر است بنابراین به مباحث تاریخی، اجتماعی و سیاسی که در خاستگاه اندیشه های شاعر و جهان بینی او تاثیر داشته، توجه شده است.

هر چند غرض بیان تاریخ سیاسی نیست، این تحقیق نگاهی گذرا به تاریخ اجتماعی عصر شاعر، برای درک بیشتر آمال و عقاید سیاسی و تعهد اجتماعی یک آزاد اندیش بوده است.

هدف، بیان ستیز یک شاعر در دنیای بسته زمان خود، با اهرمهای استبدادی قدرت و پیکار او با فروپاشی نظام ارزشی جامعه است و این مساله ای است که ذهن شاعر را درگیر می کند. در نتیجه شعر او دیگر یک دنیای زیبای شفاف نیست، بلکه هدفهای تبلیغی شاعر، آفرینش هنری او را پرداختی از واقعیت اجتماع با همه تیرگی ها و نابسامانیهای زمان کرده است.

هدف بیان تفسیر شاعر از گروههای مختلف جامعه و بازتاب دنیای درونی و بیرونی شاعر است، تا شاید شعر او را فهمیده و فریاد او و تمام انسانهایی که هنر آن را نداشتند تا فریاد بزنند، شنیده شود.

بنابراین فقط وقتی می توان حرف شاعر را فهمید که بتوان صدای انسان را در انزوای شعرا شنید. پس هدف شنیدن صدای مظلومیت همه انسانهایی است که شاعر به خاطر آنها به انتقاد از ستمگران و عمال آنها پرداخته است. در اینجا هدف، تنها شناساندن شاعر و اثر وی نیست، بلکه خواسته شده، خواننده نیز با عقاید و جهان نگریهای متفاوت دوران او آشنا شود.

در این پژوهش اولین هدف آن است که خوانندگان با جنبه های مختلف شخصیت و اشعار انتقادی سیف فرغانی آشنا شوند و بدانند که سیف، شاعری متعهد است که در ورای انتقادات او دلایل و اهداف خاص سیاسی و اجتماعی نهفته است.

دوم آنکه موضوعات و درون مایه های اجتماعی و انتقادی در دیوان سیف مورد بررسی قرار گیرد تا خوانندگان از دیدگاههای این شاعر آزاد اندیش، آگاه گردند و ابعاد اجتماعی و جامعه شناسی شعر وی روشن شود.

هدف سوم در این تحقیق، بررسی بازتاب مسایل اجتماعی-سیاسی عصر مغول و دوره ی ایلخانی در شعر سیف و نشان دادن واکنش های این شاعر آگاه درقبال مسایل ومشکلات جامعه و همچنین تحلیل اشعار سیف با توجه به اوضاع سیاسی-اجتماعی آن عصر است.

۱-۲- اهمیت تحقیق

پژوهش در شعر و ادب یک دوره، یا یک شاعر، تنها از دیدگاه ادبی کاری است که ادیبان و محققان نکته سنج به خوبی از عهده آن بر آمده اند، و تلاش روشنگرانه آنها در زمینه قالب و شکل ادبی و شاخصهای ارزشی زیبایی شناسی قابل تقدیر و ستایش است. اما به همان اندازه که به ارزشهای ادبی توجه شده از اهمیت موضوعی و محتوای اجتماعی، سیاسی و اخلاقی شعر و ادب کاسته شده است.

آثار ادبی آینه جهان نمایی هستند که تنها زیبایی صورت در آن نشان داده نمی شود، بلکه با کمی ژرف نگری می توان عمق پیوند انسان با زندگی را هم در آن دید و به آن توجه کرد.

ادبیات کلاسیک با آن حالت نسبتاً ایستای خود در برابر جامعه ی پویا و در حال تحول امروز نیاز به یک بازنگری نو و عمیق دارد؛ تا شاید فرازنگی فردی بزرگمردان تاریخ و فرهنگ و ادب این ملت، به فرزاندگی جمعی بدل شود و چراغی فرا روی آیندگان در تنویر افکار و تهذیب اخلاق باشد.

از آنجایی که سیف فرغانی یکی از شاعران منتقد و متفکری آزاده در پهنه ی ادب فارسی است و اشعاری که از او به جای مانده از ویژگیهای خاصی برخوردار است، اما خلأ نبودن کاری در زمینه جامعه شناسی شعر او احساس می شود اما ناقدان و پژوهشگران، ارزش اشعار او را نادیده گرفته اند.

با توجه به اهمیت موضوع محقق بر آن شد با در نظر گرفتن زمینه های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عصر شاعر و بیان رابطه شعر سیف فرغانی با نظام سیاسی-اجتماعی روزگار وی، گوشه ای از تلاشهای شاعر را برای روشنگری در عصر خویش بیان کند.

اهمیت دیگر این کار در آن است که با دانستن واقعتهای تاریخی و اجتماعی زمان شاعر، فهم و درک ما از شعر او بیشتر می شود و همچنین می تواند کمکی به شناخت شخصیت شاعر باشد.

۱-۳- تاریخچه تحقیق

ادیبان و محققان، مطالبی بسیار را درباره شخصیت شاعران بزرگ و اهمیت آثار آنها ذکر کرده اند، اما متأسفانه هیچ منبعی به بررسی جامعه شناسی شعر سیف فرغانی نپرداخته است. نه تنها در اشعار سیف بلکه

درباره ی سایر شاعران هم کاری جامع و کامل در این زمینه صورت نگرفته است، مگر در مقدمه کتابها و دیوانهای شعر برخی از شعرا بحثهایی کوتاه مطرح شده است. لذا از این دیدگاه، این شاعر توانا مورد بی اعتنایی قرار گرفته است.

از جمله کتابهایی که در زمینه جامعه شناسی ادبیات نوشته شده کتابی از دکتر علی اکبر ترابی است به نام «جامعه شناسی ادبیات فارسی». او در این کتاب در چند مبحث جداگانه به زمینه های اجتماعی شعر و نثر شاعران و نویسندگان از دیدگاههای خاص پرداخته است. بحث جامعه شناسی شعر سیف فرغانی در یکی دو صفحه نگارش یافته و ابعاد شعر او به طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته است. در زمینه انتقاد اجتماعی درباره اشعار سیف، به طور کلی کاری انجام نشده و هیچ کتاب یا مقاله ای خاص در خصوص این موضوع نگارش نیافته است، فقط بعضی از محققین نظیر دکتر ذبیح الله صفا در مقدمه «دیوان اشعار سیف فرغانی» و در کتاب «تاریخ ادبیات در ایران»، استاد دکتر غلامحسین یوسفی در «برگهایی در آغوش باد» و مرتضی راوندی در «تاریخ تحولات اجتماعی» و «تاریخ اجتماعی ایران» ذکری از انتقاد و اشاره ای به انتقاد اجتماعی در دیوان سیف فرغانی کرده اند و ابیاتی را جهت شاهد مثال از شاعران مختلف آورده اند.

۱-۴- روش تحقیق

از آنجایی که این تحقیق کاری محتوایی در زمینه ادبیات با نگرش جامعه شناسی است و پیوندی بین ادبیات، جامعه شناسی و تاریخ ایجاد می نماید، از کتابهایی که در گذشته نوشته شده و همچنین از کتب جدید در زمینه ی جامعه شناسی ادبیات، تاریخ ادبی، تاریخ مذاهب و فرقه های دینی استفاده شده است. در نتیجه محقق از طریق مطالعه انفرادی و شیوه کتابخانه ای و فیش برداری از اسناد و مدارک سود برده است. در تحقیق و پژوهش مهمترین گام یافتن منابع موثق و دست اول و نیز استفاده صحیح از این منابع می باشد، اما درباره سیف فرغانی پس از چند ماه تلاش و جستجو تنها چند منبع انگشت شمار بدست آمد زیرا درباره این شاعر عملاً کاری صورت نگرفته است و اکثر منابع ادبی تنها به ذکر نامی از او اکتفا کرده اند، البته در زمینه منابع تاریخی، چندان مشکلی وجود ندارد و کتب تاریخی قرن هفتم می تواند راهگشا باشد. تنها منبع قابل اتکا و اعتنا در این تحقیق دیوان شاعر یعنی سیف فرغانی است که استاد فرزانه دکتر ذبیح الله صفا آن را تصحیح نموده است و مقدمه ای نسبتاً مفصل بر آن نگاشته اند. بنابراین محقق در یافتن منابع و مآخذ این تحقیق با دشواری ها و محدودیت های فراوانی روبرو بوده است به گونه ای که گاه ادامه کار ناممکن به نظر می رسید.

محقق ابتدا دیوان سیف را مطالعه و بررسی نموده و قصاید انتقادی را از سایر قصاید و غزلها تفکیک نموده و سپس اقدام به فیش برداری از اشعار انتقادی دیوان سیف کرده است که فیشها به بیش از سی موضوع سیاسی و اجتماعی طبقه بندی گردید.

مرحله بعد مطالعه و فیش برداری از منابع تاریخی عصر مغول و ایلخانان (قرن هفتم) بود که از خلال آن اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر شاعر به دست آمده است. آنگاه با توجه به دیوان سیف و اشعار انتقادی، مسایل اجتماعی - سیاسی و بازتاب این اوضاع در شعر او بررسی و فیش نویسی شد. سپس همه فیشها مجدداً بازبینی شد و تغییراتی در بعضی از آنها صورت گرفت.

پس از بررسی اشعار سیف، در بخش نتیجه گیری، با توجه به متن رساله به نتایجی دست یافته ایم. قضاوت در مورد اشعار وی، صرفاً بر پایه ی ابیاتی بوده که از دیوان سیف فرغانی گردآوری شده است. به هر حال این پایان نامه دارای کاستیها و نقایص بسیاری است که امیدوارم استادان بزرگوار، کاستیها را به حساب بضاعت علمی اندک و تجربه ناچیز نگارنده در امر پژوهش بگذارند و بر وی بیخشایند. به قول سعدی:

به راه بادیه رفتن، به از نشستن باطل
اگر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم^(۱)

۱-۵-۰- رابطه متقابل شعر و جامعه

«از آن هنگام که آدمی شناختن خویش را آغاز کرد و رها از دغدغه همیشگی تلاش برای بقا، به نگرستن و ژرفکاری در درون و پیرامون خود پرداخت، مرگ و نیستی را بزرگترین تحوّل زندگی خود یافت و در جستجوی آن برآمد تا راهکارهایی را برای جاودانگی بیابد.

می توان چنین تصور کرد که تلاش برای جاودانگی، از دیر باز بیشترین بخش ذهنی آدمی را به خود مشغول کرده است. مفاهیمی چون اکسیر زندگی، آب حیات یا چشمه حیوان، که هر کس از آن آب بخورد، آسیب ناپذیر و جاودانه می شود؛ یاد واره ی این تعلق خاطر فراموش نشدنی انسان است.»^(۲)

با این همه، بشر زود دریافت که مرگ، دست کم در مفهوم جسمی آن، همزاد اوست و از آن گریزی نیست. بدینسان بود که آدمی، سوگیری اصلی خود را برای تحقق جاودانگی خود به راههای دیگری چون نقاشی بر دیوار غارها سوق داد، تا با این عمل، موجودیت خویش را به طبیعت و مهمتر از آن به آیندگان بشناساند؛ از همین جا بود که هنر و نوشتار پا به عرضه هستی نهاد.

بدینسان تاریخ از هنگامی به مثابه یک علم پدید آمد که آدمی نوشتن را آموخت و نوشتار و کتاب جزئی تفکیک نشدنی از زیست بشری در آمد و انسان مرحله نوینی از زندگی اجتماعی خود را آغاز کرد.

۱- سعدی، مصلح الدین، کلیات، ۱۳۶۴، به تصحیح محمد علی فروغی، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی، ص ۳۳۳

۲- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۲، نان جو، دوغ گو، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ص ۳

شعر نیز جزیی از زندگی اجتماعی انسان است اما با توجه به آنکه از درون شاعر می جوشد و سر چشمه می گیرد، مخاطب آن کل جامعه انسانی است. شاعر، محصول ذوق و قریحه خود را همچون هدیه ای ارزشمند به جامعه ی بشری اهدا کند و دوست دارد تا همگان آنرا بخوانند و یاد گیرند و از تأثیر آن بهره مند گردند.

در تعریف شعر گفته شده شعر عبارت است از: « کلام موزون و مقفی که دارای معنی باشد» چون شعر امری صرفاً عقلانی نیست نمی توان تعریفی دقیق، جامع و مانع از آن کرد در هر حال کلامی است بالاتر از سخن عادی و شرط مهم آن « تأثیر در نفوس» است. و این تأثیر، گاه از طریق خیال انگیزی و گاه از راه تحریک عواطف و یا از طریق تعلیم و ارشاد ایجاد می شود و « سحر بیان» در شعر همین است. یعنی تخیل شاعر با اندیشه او، به وسیله کلمه هابه دیگران منتقل می شود. پس شاعر از اندیشه ها و عاطفه ها تصویری می سازد که بیانگر واقعیت و انتقال دهنده عاطفه و خیال است.

مخاطب این بیان عاطفی انسان است. انسانی که به جامعه هویت می دهد. از اینجا است که جوهر اجتماعی شعر و رابطه آفرینش هنری با جامعه و مسئله هدف برونی و درونی شعر شکل می گیرد.

«بعضی برای شعر «هدف برونی» مثل اخلاقی، اجتماعی، دینی و سیاسی قائل هستند، و تعهد شاعر در برابر جامعه را عنوان می کنند. و بعضی برای آن «هدف درونی» قائلند، یعنی: «هنر برای هنر».

افلاطون برای هنر قائل به هدف برونی بوده است. و شعر را از جمهوری خویش طرد می کند، به سبب بدآموزیهایی که در آن هست. در صورتی که ارسطو آن را به چشم یک واقعیت موجود می بیند: بدش را بد و خویش را خوب می داند.»^(۱)

«از دید هنر محض به شعر نگاه کردن، یک تصویر انتزاعی است که درعالم واقع هرگز بوجود نیامده است. در اینجا است که «هنر برای هنر» رنگ می بازد. و در آنجا هم که شعر در خدمت جامعه و اخلاق

است به قول بلیسنکی: «باید در درجه اول هنر باشد و سپس تعبیری شود از روح جامعه یک عصر.»^(۲)

حیات اجتماعی جامعه مفهوم وسیعی دارد و مرکب از نهادها و شئوناتی است. به همین جهت گروهی سرچشمه هنر را جامعه می دانند.

هنر آفرین در این جامعه، اندیشه اش را با تصاویر ذهنی که از محیط گرفته، در قالبهای شعری می ریزد و سبک بیان خود را بوجود می آورد. «سبک شاعر مختص به خود اوست به گفته «بوفون»: سبک هر کس خود اوست، شخصیت اوست.»^(۳)

۱- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۳، شعر بی دروغ، شعر بی نقاب، چاپ چهارم، انتشارات جاودان، ص ۱۱۱

۲- همان کتاب، ص ۱۱۲

۳- آریان پور، امیر حسین، ۱۳۵۴، جامعه شناسی هنر، انجمن کتاب دانشکده هنرهای زیبا، تهران، انتشارات بینا، ص ۷۹

شخصیت انسان تحت تأثیر متقابل فرد و جامعه است. پس باید گفت سبک تنها خود انسان نیست بلکه جامعه هم هست. و چون جامعه دارای گروه بندی است، سوگیری در بیان اندیشه اش هم به دو صورت است. یا «واقع گرا» و مردمی یا «واقع گریز» و فاقد روح جمعی است.

«طبقه ممتاز، برای نمایش حیاتی برتر در برابر زندگی ساده عوام، و خیال انگیز و غیر عادی نشان دادن خود و استحکام قدرت سلطه و مرعوب و منکوب کردن مردم، شاعران را به خدمت می گرفتند، در عالم اسلامی شعربازی و تفننات اشرافی دیگر، دامنه ای وسیع یافت و در دستگاه خلفای عباسی شاعری و خنیاگری با هرزگی و باده گساری و قمار بازی و تن آرایبی و سگ پروری و کبوتر پرانی و خروس بازی و صدها تفنن بیهوده ی دیگر آمیخت.»^(۱)

در ایران شعر تفننی و تصنعی در دستگاه بزرگان بسیار ترقی کرد؛ مثلاً محمود غزنوی که ایرانیان را با قوم خود - ترکان - بر سر مهر نمی دید به دینداری و مردم داری تظاهر می کرد و بوسیله شاعران دینداری و مردم داری دروغین خود را به رخ مردم می کشید. بیشتر قصیده هایی که عنصری و فرخی در ستایش او سروده اند، در واقع پاسخهایی هستند که به طعن و لعن مخالفان او داده شده اند.

بدین سبب است که نظامی عروضی وظیفه شعر را ستودن بزرگان و وجود شاعر مبلغ ماهر را همانند دبیر و طبیب و منجم برای بزرگان لازم می شمارد.^(۲)

در کنار شعر اشرافی و تجملی، شعر کمال خواه با جهان بینی مثبت، سازوار با زندگی عملی مردم و حتی در شکل مردمی تر از آن به صورت «فولکور» در بستر حیات جامعه جریان دارد.

شعر در هر حال از یک آزادی طبیعی برخوردار است، چنانچه در شعر رسمی جامعه با اینکه انعکاسی از زندگی طبقه ممتاز است، ما انعکاس تضادهای سایر طبقات جامعه را هم می بینیم.

شخصیت شاعران وابسته به قدرتهای غیر مردمی، به علت بینش اجتماعی محدود و همچنین دروغ گویی دائم، ضعیف و فاقد وحدت است، و چون پایگاه مردمی ندارند، از احترام و شخصیت اجتماعی بارزی برخوردار نیستند.

شاعرانی که بینش اجتماعی عمیق دارند، خود، به یک شناخت واقعی دست می یابند و اثر آنها گسترش دهنده افقهای نوینی از دانش و بینش است، و داوری جامعه نسبت به آنها توأم با احترام و مثبت است.

۱- آریان پور، امیر حسین، همان کتاب، ص ۱۱۳

۲- نظامی عروضی، احمد بن عمر بن علی، ۱۳۷۲، چهارمقاله، تصحیح محمد قزوینی - محمد معین، تهران،

حکومت‌های استبدادی ادبیات « واقع گرا » به خصوص ادبیات سیاسی و انتقاد اجتماعی را سر می‌کوبند، در نتیجه ادبیات از شور و پویایی زندگی تهی می‌شود، و یا اینکه در شعر - که از آزادی بیشتر برخوردار است - به صورت نمادین و رمزی (سمبولیسم) در می‌آید.

بین شعر و جامعه پیوندی متقابل است، همانطور که جامعه هدایتگر قلم شاعر است، متقابلاً شاعر هم با آفرینش ادبی، فرهنگ ساز جامعه می‌شود و تعالی دهنده ادبیات شور انگیز. شاعر باید بداند که از میان مردم برخاسته و نسبت به آنان الزاماتی دارد، شعر باید بیان کننده روح زندگی مردم، و آینه تمام نمایی از زندگی، با همه شادیه‌ها، غمها، عشقها، کینه‌ها و شکست‌ها و پیروزیهایش باشد. شاملو می‌گوید: « شعر برداشت‌هایی از زندگی نیست و بلکه یکسره خود زندگی است. »^(۱)

همچنین فاکنر می‌گوید: « نیازی نیست که صدای شاعر وصف حال انسانها باشد این صدا می‌تواند همانند تکیه گاه و پشتیبانی، آنان را یاری دهد تا پایداری کنند و پیروز شوند. »^(۲)

نویسنده یا شاعر به عنوان یک فرد تحت تأثیر محیط اجتماعی، فرهنگی و طبیعی و آرمانهای جامعه خود قرار گرفته و آثارشان دارای نمودهای اجتماعی و طبیعی است. از این رو است که اثر ادبی را به سنگواره صدفی تشبیه می‌کنند و می‌گویند همانگونه که سنگواره نقش و اثر جانور را در بر دارد؛ اثر ادبی هم تصویری از نویسنده را ارائه می‌دهد؛ درست همانگونه که بررسی صدف بدون در نظر گرفتن جانور خطاست، تحلیل یک اثر ادبی نیز بدون توجه به نیروهایی که بدان شکل و قالب بخشیده اند اشتباه می‌باشد؛ زیرا اثر ادبی بازی صرف تخیل یا هوس مجزای یک مغز هیجان زده نیست؛ بلکه رونوشتی است از آداب و رسوم و هنجارهای فرهنگی عصر نویسنده و شاعر.

شاعران و نویسندگان برجسته، آینه تمام نمای جامعه خود هستند؛ چنانکه بسیاری از آنان در تحلیل و تبیین دشواریهای زندگی اجتماعی، به مراتب تیز بین تر و عمیق تر از اندیشمندان اجتماعی بوده اند؛ زیرا آنچه را که جامعه شناس می‌خواهد در مطالعه عینی ساختارها و نهادهای اجتماعی ببیند شاعر و نویسنده مسئول و متعهد، قبلاً با شامه خود بوییده، با سر انگشتان حس کرده، و با گوش جان شنیده است. چنانکه سعدی شاعر درد آشنای ما، در کشورهای مهم جهان آن روز، سفرها کرد و با قشرهای مختلف مردم به گفتگو نشست و با کاروانیان از هر گروه به سر برد و از شهری به شهری رفت و در همه جا مانند مردم شناسی آگاه و جامعه شناسی ژرف اندیش، اجتماعات مختلف را زیر نظر گرفت و از مشاهده همراه با مشارکت به بررسی جامعه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی پرداخت، چنان که شخصیت‌های داستانهای او معرف جامعه خود هستند با همه دردها، امیدها، غمها و شادیه‌هایشان.

۱- اطلاعات علمی، دوره اول، شماره یک، ۱۳۶۴، ص ۴۶

۲- همان، ص ۲۶

«وقتی یک اثر ادبی، در بین مردم مقبولیت پیدا می کند که شخص با شنیدن آن احساس کند که پدید آورنده اثر با دردهایش آشناست و فقط بیان هنرمندانه اوست که بدان روح و جلوه ای خاص بخشیده است. شاعر یا نویسنده ای که درد ندارد یا از درد مجهولی سخن می گوید نمی تواند مقبولیتی در بین مردم پیدا کند، به قول مولوی:

در درون خود بیفزا درد را تا بینی سبز و سرخ و زرد را
آب کم جو تشنگی آور بدست تا بجوشد آبت از بالا و پست

راز ماندگاری برخی از نویسندگان و شاعرانی که حتی ورای قرن‌ها و مرزها در نفوس انسانی تأثیر دارند، همین است، همین که دردی دارند، دردی که همه آن را در می یابند، زیرا درد کشیدگان همواره در آتش رنج دیگران می سوزند و شاعر و نویسنده متعهد نمونه زنده ای از این سوز و ساز است. چنانکه گویند:

«درد کشیده طیب است» و «تا دلی آتش نگیرد حرف جان سوزی نگوید.»^(۱)

«نویسنده یا شاعر با توجه به تعهدش نسبت به جامعه و مردم آن، باید در تحلیل جامعه شناختی خود، زندگی اجتماعی را به صورت موجود زنده ای ببیند که اجزا و اندامهای آن با هم وابسته اند و هر کدام نقش تعیین کننده ای بر عهده دارند. در اینجاست که هنرمند (پدید آورنده اثر ادبی) جامعه شناسی است که روشهای تحلیل جامعه شناسی علمی را در یک زمینه خاص - یعنی ادبیات - به کار می گیرد؛ زیرا هر اثر ادبی، آگاهانه یا ناآگاهانه، روانشناسی اجتماعی طبقه خاص خود را دارد. بدین ترتیب، جامعه شناس باید مانند یک مورخ ادبی به تحلیل عینی خاستگاه اثر، جای آن در ساخت اجتماعی و تبیین شخصیت پدید آورنده و نیز تأثیر آن بر زندگی اجتماعی بپردازد.»^(۲)

«وظیفه ادبیات، در شرایط بیمارکننده موجود، عبارت است از اینکه آزادی را قید بردگی آزاد کند و آنرا به صورت یک فانوس دریایی دعوت کننده و راهنما، در برابر مردمی که کشتی هایشان را در این شبان "ویل" راه گم کرده اند، نگاه دارد؛ تا همه مردم، قلبها و اندیشه های خود را نسبت به موقعیت آن فانوس دریایی میزان کنند و تمام حرکات فردی و اجتماعی خود را با وضع آن منطبق سازند.»^(۳)

شعردرواقع وسیله است نه هدف. و چونان ظرفی است که مظروف آن، چیزی جز نیت و اندیشه ها و احساسات شاعر نمی باشد، پس اگر این مظروف و محتوا، گوارا و شفا بخش باشد اثری سازنده و مفید در اذهان جامعه دارد و چنانچه فاسد و مسموم باشد حاصلی ویرانگر و تباہ کننده خواهد داشت. بنابراین شاعر واقعی کسی است که رسالت خویش را در قبال جامعه تشخیص دهد و شعرش، به منزله ی ندای حق طلبی و آزادی

۱- ستوده، هدایت الله، ۱۳۷۸، جامعه شناسی در ادبیات فارسی، تهران، انتشارات آوای نور، ص ۱۳

۲- همان، ص ۱۴

۳- همان، ص ۱۴